

ایران و حوزه دریای خزر: نفت و گاز

پاتریک کلاوسون^۱

ایران می‌بایست یک بازار طبیعی برای نفت و گاز حوزه دریای خزر محسوب گردد. ایران به سهم خودش مقدار بسیاری نفت و گاز تولید می‌نماید، اما آن تولید در کناره‌های خلیج فارس می‌باشد، بیش از ۷۰۰ مایل دورتر از بزرگترین شهرهای ایران در شمال کشور (تهران، تبریز و مشهد). شهرهای بزرگ شمالی ایران به حوزه نفت و گاز دریای خزر نزدیکترند تا به میادین نفت و گاز اصلی ایران. خرید نفت و گاز دریای خزر از طرف ایران به این کشور این فرصت را می‌دهد تا مقدار بیشتری از نفت و گاز خود را صادر می‌نماید. علاوه بر این، ایران به عنوان یک مسیر ترانزیت مؤثر و باصرفه از حوزه دریای خزر به بازارهای جهانی مطرح است. برای مثال، ترکمنستان علاقه‌مند است که گاز خود را به پاکستان و ترکیه صادر نماید و ایران بهترین طریق به لحاظ جغرافیایی برای ارسال گاز ترکمنستان به پاکستان و ترکیه می‌باشد. مسیرهای خط لوله که به لحاظ اقتصادی بسیار باصرفه هستند به جهات مشکلات پیچیده سیاسی با موانعی برخورد می‌کنند. جهت فروش گاز ترکمنستان، پاکستان، تنها راه جایگزین دیگر بجای مسیر بی‌ثبات افغانستان است. جهت رسیدن به بازار ترکیه بدون عبور از روسیه، مسیرهای جایگزین از آذربایجان و گرجستان یا آذربایجان و ارمنستان مطرح است.

ذخایر پرارزش نفت و گاز در زیر بستر و اطراف دریای خزر نهفته‌اند. نفت بیشتر در قزاقستان و آذربایجان و گاز در ترکمنستان.

ذخایر شناخته شده به میزان ذخایر دریای شمال برآورد گردیده است: ۱۶ میلیون بشکه نفت و ۸/۳ بیلیون مترمکعب گاز، بر طبق برآورد دولت ایالات متحده همچنین، ذخایر احتمالی بسیار بیشتر حدس زده می‌شود: ۱۶۳ بیلیون بشکه از نفت و ۱۷/۶ بیلیون مترمکعب از گاز، که برابر با ۱۶ درصد از کل موجودی شناخته شده نفت و ۱۲ درصد از کل موجودی گاز در سطح جهان در سال ۱۹۹۶ است.^۲

۱. پاتریک کلاوسون (Patrick Clawson) متخصص مسائل اقتصادی خاورمیانه و سردبیر فصلنامه میدل‌ایست است. سمت دیگر وی ریاست مؤسسه مطالعات خاور نزدیک واشنگتن می‌باشد. این مقاله از مجله *Central Asia Survey*, (1977) توسط آقای قاسم ملکی از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده است. ۲. گزارش توسعه انرژی منطقه دریای خزر، صفحه ۴. ذخایر قطعی نفت ۱/۰۳۷ بیلیون بشکه نفت و ۱۴۱/۳

سؤال مطرح و اساسی در رابطه با کشورهای حوزه دریای خزر این است که چگونه این گاز و نفت به فروش می‌رسند. همسایه بزرگ این کشورها یعنی روسیه، حجم بسیار زیادی از نفت و گاز را در اختیار دارد، به علاوه یک شبکه خطوط لوله گسترده برای انتقال نفت و گاز موجود. بنابراین، شرکت گاز پروم روسیه محتاج گاز ترکمنستان برای بازار روسی نیست و نیز به جهت صادرات از روسیه به این گاز وابستگی ندارد.^۱ شرکت گاز پروم دوره‌های ناگواری را بر شرکت ترکمن گاز در سال ۱۹۹۶ تحمیل کرد؛ قیمت رسمی یک بشکه نفت معادل ۶/۷۰ دلار بود و فقط نیمی از بهای آن پرداخته شد.

ایران می‌بایست یک بازار طبیعی برای نفت و گاز حوزه دریای خزر محسوب گردد. ایران به سهم خودش مقدار بسیاری نفت و گاز تولید می‌نماید، اما آن تولید در کناره‌های خلیج فارس می‌باشد، بیش از ۷۰۰ مایل دورتر از بزرگترین شهرهای ایران در شمال کشور (تهران، تبریز و مشهد). شهرهای بزرگ شمالی ایران به حوزه نفت و گاز دریای خزر نزدیکترند تا به میادین نفت و گاز اصلی ایران. خرید نفت و گاز دریای خزر از طرف ایران به این کشور این فرصت را می‌دهد تا مقدار بیشتری از نفت و گاز خود را صادر می‌نماید.

علاوه بر این، ایران به عنوان یک مسیر ترانزیت مؤثر و با صرفه از حوزه دریای خزر به بازارهای جهانی مطرح است. برای مثال، ترکمنستان علاقه مند است که گاز خود را به پاکستان و ترکیه صادر نماید و ایران بهترین طریق به لحاظ جغرافیایی برای ارسال گاز ترکمنستان به پاکستان و ترکیه می‌باشد.

مسیرهای خط لوله که به لحاظ اقتصادی بسیار با صرفه هستند به جهات مشکلات پیچیده سیاسی با موانعی برخورد می‌کنند. جهت فروش گاز ترکمنستان، پاکستان، تنها راه جایگزین دیگر بجای مسیر بی ثبات افغانستان است. جهت رسیدن به بازار ترکیه بدون عبور از

بیلیون مترمکعب گاز در سطح جهان در سال ۱۹۹۶ اعلام شده است. (مطالعه آماری انرژی بریتیش پترولیوم در سال ۱۹۹۷، صفحه ۴ و ۲۰) یک مترمکعب گاز طبیعی معادل ۳۵/۳ فوت مکعب است. یک هزار مترمکعب گاز معادل انرژی حاصل از ۶/۲۹ بشکه نفت است.

۱. کلاسون، میخائیل و کرونوا، بلنا (۱۹۹۶)، «عشق آباد و مسکو گاز ترکمنستان را مشترکاً می‌فروشند» دلووی میر، مسکو، ۱۶-۲۲ اوت، صفحه ۴، بنابه نقل از سرویس بخش اطلاعات خارجی، (FBIS)، ۳ اکتبر ۱۹۹۶ و دلووی میر، ۱۱-۸ اوت ۱۹۹۷، به نقل از FBIS، ۱۴ اوت ۱۹۹۷.

روسیه، مسیرهای جایگزین از آذربایجان و گرجستان یا آذربایجان و ارمنستان مطرح است. در هر صورت، عبور خط لوله از دو کشور مستلزم یک مشکل است چراکه مذاکرات پیچیده در مورد هزینه آن را به دنبال دارد، اما چون مسیر عبور خط لوله از گرجستان با موانع طبیعی بسیاری مواجه می‌باشد و مسیر عبور خط لوله از ارمنستان مورد مخالفت ترکیه می‌باشد مشکلات بیشتر بروز می‌کنند. شرایط فوق به ایران این فرصت را می‌دهد تا به جهت خرید نفت در شمال و صدور همان مقدار نفت در جنوب (سواپ^۱) کارمزد و اجرت دریافت کند، همچنین به جهت فراهم نمودن یک راه ترانزیت، درآمد داشته باشد.

درآمدها در این رابطه به لحاظ هر بشکه نفت یک دلار و برای هر مترمکعب گاز ۰/۱ دلار ارزیابی شده است و بر مبنای هزینه‌های نقل و انتقال، ایران لازم است که آنها را ارائه نماید. در نهایت، در تئوری، نتیجه محاسبات بالا بدین ترتیب خواهد بود: ۱ بلیون دلار در ازای ۳ میلیون بشکه نفت در هر روز (b/d) و ۵۰۰ میلیون دلار برای ۵۰ بلیون مترمکعب گاز در هر سال (Cm/y)، که در مجموع معادل ۱/۵ بلیون دلار در هر سال می‌گردد.

راجع به ایران و انرژی دریای خزر باید گفت وضعیت دولت ایالات متحده تحت تأثیر چندین عامل عینی سیاسی که همیشه مخالف منابع طرفین مطرح شده بوده است. گزارش مربوط به بخش انرژی حوزه دریای خزر منتشره در سال ۱۹۹۷ چهار نکته را یادآوری می‌نمایند که به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. «راه‌حل تنشهای منطقه‌ای» از قبیل منازعه بین آذربایجان و ارمنستان، دیگر انواع مختلف تنشهای نژادی در قفقاز، یا جنگ داخلی تاجیکستان. این برخوردها و بحرانها فرصتی را برای مداخله بی‌مورد دیگر نیروهای خارجی (از قبیل آنها که شرایطی را ایجاد می‌نمایند که امکان رشد و توسعه حرکت‌های اسلامی خشونت‌آمیز فراهم گردد) به وجود می‌آورد.

۲. «فزایش و اختلاف عرضه انرژی در سطح جهانی» به‌عنوان پیشرفتی سریع از طریق توسعه انرژی حوزه دریای خزر به عنوان مکملی برای نفت و گاز خلیج فارس.

۳. «استقلال و حاکمیت» کشورهای حوزه خلیج فارس. بحث اصلی در اینجا فراهم

نمودن جایگزینهایی برای خطوط لوله در مقابل روسیه است. علاوه بر مشکلات سیاسی، چنین وابستگی به خط لوله روسی اجازه می‌دهد روسیه کارمزدهای بالا و فوق‌العاده به دست آورد. راه حل موضوع تأمین مسیرهای چندگانه برای صادرات مواد انرژی است. این امر فوراً مبحثی را طرح می‌کند که امکان عبور خط لوله‌ها از ایران بررسی گردد.

۴. «انزوای ایران» و کاهش درآمد ایران می‌تواند این کشور را به تجهیز با سلاحهای امحای جمعی و تزلزل در امر مبارزه با کمونیسم و بی‌توجهی به موضوع کنوانسیونهای نظامی سوق دهد. این وضعیت زمانی که ایران از هرگونه نقش در دریای مازندران بازداشته شود احتمالاً ایجاد می‌گردد.

۵. ضرورتاً هیچ مخالفتی از جانب روسیه ابراز نشده که ایالات متحده و روسیه یک گروه منافع مشترک نظیر کنترل سلاحهای هسته‌ای و توسعه ناتو در پیش‌رو دارند. این علاقه در مقابل اعمالی ظاهر می‌شوند که از فشار سیاسی بر روی شرکتهای بازرگانی روسی فعال در دریای مازندران استفاده به عمل آید؛ حوزه‌ای که در آن از نظر تاریخی و سنتاً روسیه به تنهایی به ارائه این خدمات می‌پرداخته است.

۶. حمایت ناتو از ورود ترکیه به این سازمان، هم برای تضمین امنیت‌اش در همسایگی خطرناک مفید است و هم جهت حمایت از توسعه اقتصادی که ممکن است نارضایتی بسیار به واسطه ارائه پیشنهاد بهتر در فروش و مناقصه فراهم کند، بویژه وقتی مسئله اسلام‌گرایان نیز مطرح باشد. این مورد جهت حمایت از خطوط لوله‌ای که از خاک ترکیه عبور می‌کند و در نتیجه احتیاجات انرژی این کشور را تأمین می‌نماید مطرح است.

احتیاجات انرژی ترکیه مسئله‌ای مرتبط با ایالات متحده آمریکا است. جهت توسعه اقتصادی، ترکیه در نظر دارد گاز طبیعی بیشتر که ارزانتر و تمیزتر از نفت است را استفاده کند. برنامه‌هایش برای افزایش مصرف گاز از ۸ میلیارد مترمکعب در ۱۹۹۶ به ۶۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۰؛ این افزایش به موازات افزایش نفت تا ۹۰۰،۰۰۰ بشکه نفت است.^۱ ترکیه می‌تواند گاز را به‌سادگی از روسیه تأمین نماید؛ اما این کشور می‌خواهد که منابع تأمین گاز را

۱. وزیر انرژی ترکیه، رکابی‌کوتان، این امر را در روزنامه فاینانشال تایمز، ۲۹ آوریل ۱۹۹۷، صفحه ۴ توضیح می‌دهد.

به دلایل اقتصادی و سیاسی تنوع بخشید. در حالی که مقدار کمی از طریق کشتی می تواند وارد شود و این حجم کم کفایت برنامه های بلندپروازانه ترکیه را نمی دهد.

ترکیه علاقه مند است که گاز را از کشورهای حوزه دریای خزر یا یکی از کشورهای ثروتمند نفتی مثل ایران و عراق خریداری نماید. دولت ترکیه قراردادهایی در رابطه با خرید مقادیر معتدله گاز از ترکمنستان و ایران و عراق به موازات روسیه امضا کرده است؛ به علاوه قراردادهایی نیز به منظور واردات گاز طبیعی از چندین کشور منعقد نموده است. حجم نهایی گاز حاصل از این قراردادها افزون بر احتیاجات این کشور ۲۰ سال آینده می باشد، بنابراین بعضی از این طرحها به مرحله بهره برداری نخواهد رسید.

در مجموع هیجانی توسط گزارش روزنامه واشنگتن پست در ژولای ۱۹۹۷ به وجود آمد که دولت ایالات متحده نمی بایست با هزینه ۱/۶ میلیون دلار جهت خط لوله به ترکیه که از ترکمنستان آغاز و از ایران عبور می نماید مخالفت می کرد.^۱ در حقیقت، هیچ خط لوله ای به تازگی بنا نشده است. آنچه که در دست ساختمان است خط لوله ای است که به خطوط گاز ایران متصل می شود؛ در شرق از میدین گاز ترکمنستان، و در غرب از شبکه گازرسانی در غرب ترکیه. متقابلاً جهت این خطوط لوله انتقالی، ایران از ترکمنستان گاز وارد خواهد کرد و به همان میزان به ترکیه گاز صادر خواهد نمود. مقادیر آن در ابتدا از ۳ بیلیون مترمکعب شروع شده و در آینده حتی تا ۱۰ بیلیون مترمکعب افزایش خواهد یافت که انرژی حاصل از آن معادل ۱۱۰،۰۰۰ بیلیون بشکه نفت می باشد.

علاوه بر مغشوش کردن آینده و چگونگی رابطه و تبادل گاز بین ایران، ترکمنستان و ترکیه، مقاله واشنگتن پست همچنین دیگران را در مورد موقعیت و اهداف آمریکا گمراه می کند. اگرچه دولت آمریکا نظر به اتصال خطوط لوله دارد ولی همچنان بر تحریم ایران و لیبی پا می فشارد تا ثابت کند تحریم شرکتهای طرف قرارداد در زمینه خطوط لوله مورد تأکید ایالات متحده است. یکی از قوانین تحریم صرفاً نظریه سرمایه گذاری در ایران دارد، نه تجارت با ایران، یک سیمای لازم برای تطابق قانون تحریم با موافقتنامه های منعقد با سازمان تجارت

۱. مورگان، دان و کوتروای، دیوید (۱۹۹۷)؛ «ایالات متحده با عبور خط لوله از مسیر ایران مخالفت نمی کند»، واشنگتن پست، ۲۷ ژولای ۱۹۹۷، صفحات ۱ و ۲۷.



جهانی (WTO). بنابراین تنها موضوع این است که آیا شرکتهای خارجی در توسعه صنعت نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری کرده بودند.

در حقیقت، سهم شبکه خطوط لوله داخل ایران تماماً توسط ایران بدون هیچ‌گونه کمک خارجی پرداخت شده است. تنها راه برای اینکه پروژه احداث خطوط لوله در تزییقتها و محدودیتهای قانون تحریم قرار گیرد می‌بایست این‌طور تلقی شود که سرمایه‌گذاری خارجی در ایران که به نوعی کمک اقتصادی برای ایران محسوب گردد موضوع قانون تحریم ایران و لیبی می‌باشد و در حقیقت حوزه وسیعی را دربر می‌گیرد.

علاوه بر این، مقاله واشنگتن پست، محتوای سیاست خارجی را اشتباه بیان می‌کند. عامل قطعی یعنی سوپ‌گاز بین ترکیه - ایران و ترکمنستان مجازات و تحریم علیه ایران را تخفیف نداد: این موضوع مطرح بود که چگونه احتیاجات استراتژی خود را تأمین نماید در حالی که ایران را از یک بازار فروش گاز محروم می‌کند.

علاوه بر سوپ‌گاز بین ترکمنستان و ترکیه، سیاست دولت آمریکا سوپ‌نفت را اجازه می‌دهد. در نامه مورخ ۱۹ اوت ۱۹۹۷، حاوی دستور قوه مجریه به شماره ۱۳۰۵۹ برای به هم فشردن و محدود نمودن تجارت با ایران (نامه دیگر مورخ ۶ مه ۱۹۹۵ به سخنگوی مجلس و رئیس مجلس درباره مصوبه قوه مجریه به شماره ۱۲۹۵۹ در مورد تحمیل محدودیتها) ویلیام کلینتون نوشت:

«در شرایط مقتضی، مردم ایالات متحده، ممکن است مجاز باشند که در تبادل پایاپای (سوپ) نفت خام از مناطق دریای خزر در مقابل نفت خام ایران در حمایت از پروژه‌های انرژی در آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان مشارکت کنند».

درک خصوصی از «شرایط مقتضی» اشاره به سوپهای محدود نفت در ضمن مراحل اولیه پروژه‌ها دارد. فروش آنچه که به نام ارلی اویل^۱ معروف است جهت سودمندی پروژه‌های دریای خزر بسیار مفید است که بدون آن طرحهای پرهزینه تا وقتی که خطوط لوله ساخته نشوند به مرحله اجرا نخواهند رسید. اگر اجرای پروژه‌ها جز از راه احداث یک خط

لوله عملی نباشد لازم است مسیر خط لوله در وضعیتی با صرفه اقتصادی احداث گردد. بویژه، روسها همانطور که ارقام بالایی به جهت خط لوله از میادین نفت قزاق نسبت به قزاقستان می پردازند از طرف دیگر بیشترین سود را نیز نصیب خود می سازند.

در عمل، تبادل ارلی اوپل به ابزاری سودآور برای توسعه نفت قزاقستان محسوب می شود؛ اما نفت حاصل از طریق سوپ که نصیب قزاقستان می شود بیشتر از آن مقداری است که به کمپانی های نفتی آمریکایی تعلق دارد.

به نظر می رسد که سیاست ایالات متحده اجازه دهد که ایران نقش پراهمیت تری در توسعه منابع انرژی دریای خزر را ایفا نماید، خلاف گذشته که انتظار می رفت محدودیتها و تحمیلهای مورد نظر کلیتون در مورد ایران به کار گرفته شود. دولت آمریکا مصمم به توجه به ملاحظات اصلی از قبیل کمک نمودن به ترکیه و دولتهای دریای خزر است. نتیجه ایفای نقش بیشتر از طرف ایران احتمالاً شرایط را دگرگون می کند:

۱. رهبران ایران پیشاپیش تغییر در سیاست آمریکا را دریافته اند؛ به این ترتیب نشانه هایی وجود دارد که آمریکا حس می کند ایران رفتار غیر قابل قبول در سطح بین المللی خود را بتدریج تغییر می دهد.

۲. به نظر می رسد کشورهای اروپایی نیز معترف هستند که سیاست ایالات متحده ریاکارانه است، تغییر در اجازه تجارت با ایران وقتی که تجارت با ایالات متحده نیز می تواند سودآور باشد. این امر ممکن است باعث شود این کشورها بسرعت سیاست خود را تغییر دهند که پس از رأی دادگاه میکونوس در آوریل ۱۹۹۷ بی سابقه باشد که در آن یک قاضی از برلین رهبران ایران را به تروریسم متهم نمود.

۳. روسها به ایالات متحده به عنوان یک رقیب در تجارت می نگرند؛ در حالی که سرمایه گذاری در بخش انرژی ایران را در مقابل کنار گذاردن روسها اجازه می دهند (برای آنها که خطوط لوله عبورکننده از طریق ایران جایگزین خطوط لوله عبورکننده از روسیه گردد) در حالی که این امر، همکاری در زمینه انرژی از طرف روسیه با ایران یعنی فروش مواد هسته ای با نظارت سازمان بین المللی انرژی اتمی را منتفی می کند.

ضمیمه

توضیحات تکنیکی راجع به پروژه‌های ایرانی در زمینه نفت و گاز

الف) نفت

ایران روزانه ۱۲۵،۰۰۰ بشکه نفت از کشورهای حوزه دریای خزر وارد می‌کند. رویه‌ها و مشی و مقادیر تخمینی تبادلات عبارت‌اند از:

ترکمنستان: ۵۰،۰۰۰ بشکه نفت در هر روز. شرکت «ایران مارین سرویس»^۱ در شراکت با شرکت گلنکور^۲ که از اوایل ۱۹۹۷، ۳۶،۰۰۰ بشکه در روز از نفت ترکمنستان را معامله کرده (بخشی خام و بخشی تصفیه شده) که به بندر انزلی از طریق کشتی حمل می‌شود که از آنجا از طریق راه آهن به بازارهای داخلی ایران حمل می‌شود و یا به خلیج فارس برده می‌شود.^۳ کمپانی «صنایع ایران مارین» که به وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران تعلق دارد مدعی حمل حدود ۳۷،۰۰۰ بشکه نفت در روز از ترکمنستان به بندر نکا در ساحل دریای خزر می‌باشد، اما این ادعا مغرورانه است.

در سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶، کمپانی «صنایع ایران مارین» با همکاری کمپانی ویتول^۴ روزانه ۶۰۰۰ بشکه نفت را از ترکمنستان به بندر عباس نزدیک جزیره هرمز در خلیج فارس حمل نمود.

آذربایجان: ۳۰،۰۰۰ بشکه در روز. در اولین فصل سال ۱۹۹۷، واردات گاز و نفت ایران برای مصارف داخلی از طریق جمهوری آذربایجان به میزان ۳۰،۰۰۰ بشکه در روز تأمین شد.^۵ این واردات تقریباً در اواخر ۱۹۹۷ به واسطه به کاراندازی کامل پالایشگاه آبادان (که در آینده کلیه احتیاجات نفت و گاز ایران را تأمین می‌نماید) قطع گردید.

قزاقستان: ۴۰،۰۰۰ بشکه در روز. دولت قزاقستان نفت را برای مصارف داخلی ایران از طریق کشتی به ایران تحویل می‌دهد و ایران در مقابل همان میزان نفت را از خلیج فارس صادر می‌نماید. در اظهارنظرها ۴۰،۰۰۰ بشکه در روز که تا ۱۲۰،۰۰۰ بشکه قابل افزایش

1. Iran Marine Services (IMS)

2. Glencore

3. امیر فرمانفرما، (۱۹۹۷)، «حمل و نقل نفت خام دریای خزر و دیگر مواد انرژی به ایران»، پترولیوم اینتلیجنس ویکلی، ۱۱ اوت ۱۹۹۷، ص ۹.

4. Vitol

5. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۵ مه ۱۹۹۷، اقتباس از روزنامه آذری Gony.

است، اگرچه مدیر فروش شرکت ملی نفت گفته است که ایران این رقم را تا ۵۰۰،۰۰۰ بشکه نفت در روز می تواند افزایش دهد.^۱ در حقیقت عمل سواپ که در حجمهای مختلف انجام گرفته است به دیدگاههای ایران در مورد کیفیت و لذا قیمت آن مربوط می گردد. در مه ۱۹۹۷ موافقت شد که مبنای ۵۰ درصد نفت میدان تنگیز و ۵۰ درصد نفت میدان بزاجی^۲ به ۸۰ درصد و ۲۰ درصد تغییر یابد؛ چرا که مسکن است بر صادرات آن مؤثر باشد.^۳ سیاستمداران قزاقستانی به تازگی ابزار امیدواری کرده اند که مصرف ۴۰،۰۰۰ بشکه در روز قابل وصول است.

ازبکستان: ۳۰۰۰ بشکه در روز. از ابتدای سال ۱۹۹۷ شرکت گلنکور از طریق راه آهن حدود ۳،۰۰۰ بشکه در روز از سال نموده که از «کاکاهی بنار»^۴ در ازبکستان به ایران صادر و به همان میزان از بندر امام خمینی در خلیج فارس صدور مجدد می شود.^۵

ب) گاز

ایران در حال ساخت یک خط لوله به طول ۲۵ مایل (به هزینه ۹۰ میلیون دلار) و به قطر ۴۰ اینچ از کردکوی به طرف مرز ترکمنستان است که این خط لوله به خط لوله دیگری به طول ۶۰ مایل (به هزینه ۱۰۰ میلیون دلار) و به قطر ۴۰ اینچ در کوهپه داغ^۶ ترکمنستان متصل می گردد.^۷

ایران به لحاظ مالی ۱۹۰ میلیون دلار هزینه پروژه را تأمین می نماید و ۸۲ درصد عملیات ساختمانی آن در جولای ۱۹۹۷ کامل بوده است.^۸ نخستین محموله ها در فوریه ۱۹۹۸ ارسال شدند که در مجموع تا ۲ بیلیون مترمکعب در سال می رسد که مساوی ۱۸۸

۱. پترولیوم آرگیز *Petroleum Argus*، ۱۵ نوامبر ۱۹۹۶.

2. Buzachi

۳. بر طبق گفته ریاست شرکت ملی نفت قزاقستان، نورلان بالگیمبایف، ابترفاکس، ۱۹ مه ۱۹۹۷.

4. Kacahi Banar

۵. امیر فرمانفرما، آوریل ۱۹۹۷.

6. Kopedzke

۷. «ترکمنستان: خط لوله به اروپا ظرفیت صادرات را افزایش می دهد»، پترولیوم اکونومیست، مه ۱۹۹۷، ص ۱۲۹.

۸. به گفته حسین کریمی آشتیانی، رئیس پروژه، میدل ایست اکونومیک دیجست، ۱ اوت ۱۹۹۷.



میلیون فوت مکعب در هر روز است؛ از طرف دیگر این میزان معادل ۳۴،۰۰۰ بشکه نفت در روز می‌باشد.

بالاخره، پس از آزمایشهای لازم و احداث ایستگاههای فشار، خط لوله مذکور تا ۱۲ بلیون مترمکعب مساوی ۱/۱۳ بلیون فوت مکعب گاز را نقل و انتقال می‌نماید (معادل ۲۰۶۰۰۰ بشکه نفت). همچنین راجع به ۳۵ مایل خط لوله در نقطه منتهی‌الیه ترکمنستان یعنی میدان نفتی دولت‌آباد در اتصال به خط لوله در شمالی‌ترین نقطه ایران گفتگو‌هایی در جریان است.^۱

خط لوله ترکمنستان - ایران گاز را به خط لوله در شمالی‌ترین نقطه ایران به قطر ۳۰/۳۶ اینچ منتقل می‌کند. آن خط لوله در اصل برای انتقال ۱۲ بلیون مترمکعب از میدان سرخس به شهر مشهد و جهت تولید نیروی برق در نکا ساخته شده بود.^۲

در اوایل دهه ۱۹۹۰ شمالی‌ترین خط لوله ایران به شبکه خط لوله اصلی گاز که قبلاً ساخته شده بود و انتقال گاز را از خلیج فارس به جمهوری آذربایجان ممکن می‌ساخت متصل شد.

طرحهای ایران برای فروش گاز به ترکیه. گازی که باید از طریق خط لوله به طول ۱۵۰ مایل در ایران صادر گردد از طریق دو خط لوله به مرز ترکیه امتداد پیدا می‌نماید. خط لوله جدید، که به ۶۳۰ مایل خط لوله در داخل خاک ترکیه متصل می‌گردد ۳ بلیون مترمکعب گاز را انتقال می‌دهد که قابل افزایش تا ۱۰ بلیون مترمکعب است.^۳ ترکیه و ایران سهم‌های خود را به لحاظ مالی در رابطه با این خط لوله می‌پردازند تا بدون تأخیر در احداث آن تا اوایل سال ۱۹۹۹ آماده گردد. بهای گاز صادراتی ایران به ترکیه طی ۲۳ سال گذشته بین ۱۸ تا ۲۳ بلیون دلار بوده است.

گازی که از ایران به ترکیه صادر می‌شود شاید معادل گازی گردد که از ترکمنستان به ایران وارد می‌شود. نکته مهم این است که مشخص نیست که ایران گاز اضافی برای صدور به ترکیه داشته باشد یا خیر. به‌تازگی مصرف داخلی گاز در ایران افزایش یافته است. در ۱۹۸۱

۱. «ترکمنستان: خط لوله به اروپا ظرفیت صادرات را افزایش می‌دهد»، پترولیوم اکونومیست، مه ۱۹۹۷، ص ۱۲۹.

۲. سازمان بین‌المللی انرژی، (۱۹۹۵)، نفت و گاز خاورمیانه، پاریس، OECD/IEA صفحات ۱۱۸ تا ۱۳۲.

۳. بنابه اظهار وزارت انرژی و منابع طبیعی ترکیه، (رادیو و تلویزیون ترکیه)، ۵ نوامبر ۱۹۹۶.

ایران ۶ بیلیون مترمکعب گاز مصرف نمود در حالی که ۱۲ سال بعد یعنی در ۱۹۹۳، مصرف گاز در ایران ۲۷ بیلیون مترمکعب بوده است. در ۱۹۹۴، ۴۰ بیلیون مترمکعب معادل ۴۴۵،۰۰۰ بشکه نفت می باشد.^۱ به علاوه، ایران یک برنامه گسترده را برای تزریق مجدد گاز به میادین قدیمی نفت شروع نموده است تا به این طریق امکان استخراج بیشتر نفت از میادین مربوطه عملی گردد. ایران در سال ۱۹۸۱، ۲ بیلیون مترمکعب و در سال ۱۹۹۳، ۲۳ بیلیون مترمکعب گاز تزریق نموده است. علاوه بر مصرف داخلی و تزریق گاز، مصرف از ۸ بیلیون مترمکعب در ۱۹۸۱ به ۴۹ بیلیون مترمکعب در ۱۹۹۳ رسیده، همچنین در سال ۱۹۹۶ این رقم تا ۶۲ بیلیون مترمکعب افزایش داشته است، غیرمحمتمل به نظر می رسد که ایران قادر باشد بیش از این تولید کند مگر آنکه، بیلیونها دلار در یک طرح جدید بهره برداری گاز سرمایه گذاری کند (مانند میدان گاز پارس جنوبی در داخل خلیج فارس که مابین مرز آبی قطر و ایران قرار دارد). مطمئناً برای ایران مشکل خواهد بود که به موازات افزایش رشد مصرف داخلی گاز، به میزان ۱۰ بیلیون مترمکعب گاز نیز به ترکیه گاز صادر نماید مگر آنکه بهره برداری از میدان پارس جنوبی را توسعه دهد.

واردات گاز از ترکمنستان بسیار ارزانتر تمام خواهد شد تا سرمایه گذاری در میادین نفتی و ذخایر گاز خودش. ترکمنستان ظرفیت تولید گاز به مقدار معتنا بهی دارد که برای این کشور در حال حاضر قابل استفاده نیست؛ بازارهای سابق این جمهوری در اتحاد شوروی سابق بود و به موازات انقباض اقتصاد این جمهوری و افزایش بهای نفت و گاز این کشور سعی دارد خود را به بازارهای جهانی برساند. فرصتهای دیگر ترکمنستان برای فروش گاز خوب نیستند. قرارداد ترکمنستان در ۱۹۹۶ با کمپانی روسی گازپروم^۲ در زمینه خط لوله گاز مبنی بر آن است که ترکمنستان در ازای هر ۱۰۰۰ متر مکعب ۴۲ دلار دریافت نماید، که معادل می گردد با ۶/۷ دلار در ازای یک بشکه نفت و گفته می شود شرکت گاز پروم فقط حدود نیمی از آن را پرداخت.^۳ بنابراین برای ایران و ترکمنستان سودمند خواهد بود اگر ترکمنستان گاز را حتی با نرخ کمی به ایران بفروشد، در نتیجه ترکمنستان دخلی خواهد داشت؛ در مقابل وقتی

۱. آژانس بین المللی انرژی (۱۹۹۵). ص ۲۳۳، میدل ایست اکونومیک دایجست، اول نوامبر ۱۹۹۶.

2. Gazprom

۳. میخائیل کلاسون - پلینا کروتوا (۱۹۹۶). «عشق آباد و مسکو نواماً گاز ترکمنستان را می فروشند» دلووی میر، مسکو، ۱۶ تا ۲۲ اوت، ص ۴.



هیچ میزانی به «گاز پروم» گاز نفروشد ترکمنستان درآمدی نخواهد داشت و ایران به جهت عدم اجرای پروژه‌های جدید برای اکتشاف گاز در میادین نفتی صرفه‌جویی خواهد کرد. اما رهبران ترکمنستان مایل نیستند که به عنوان کشور با موقعیت طرف معامله فقیر شناخته شوند و بیشتر بر مبانی و نرم‌های غیرواقعی اصرار و پافشاری می‌شود.^۱

گفتگوها و مذاکرات بسیاری در مورد احداث یک خط لوله از ترکمنستان به ترکیه انجام شده است. در حقیقت، چنین خط لوله‌ای در مرحله اقدام و احداث نیست. ایران، ترکمنستان و ترکیه در ۱۴ مه ۱۹۹۴ یک قرارداد به منظور احداث خط لوله از ترکمنستان به ترکیه و حتی کشورهای دورتر امضا کردند. اما هیچ منبع مالی برای این پروژه تأمین نگشت اگرچه سالها از انعقاد آن گذشته است.^۲

احتمالاً این خط لوله یک امکان بود که ترکیه قطر لوله را تا ۵۶ اینچ افزایش دهد. ترکمنستان از طریق شبکه خط لوله ماورای قاره‌ای این کشور موافقت با تسریع در احداث خط لوله دیگر بین ایران و ترکمنستان نمود.^۳ طرح ارائه شده در دو مرحله انجام می‌گیرد: مرحله اول، هزینه نمودن ۲/۳ میلیارد دلار در ایران و ۰/۳ میلیارد دلار در ترکمنستان که دارای پنج ایستگاه تراکم فشار با ظرفیت ۱۵ میلیارد مترمکعب است (۱/۴۵ میلیارد فوت مکعب معادل ۲۵۸،۰۰۰ بشکه نفت) مرحله دوم، اضافه نمودن تجهیزات به پنج ایستگاه تراکم فشار برای افزایش ظرفیت تا ۲۸ میلیارد مترمکعب (۲/۷ میلیارد فوت مکعب معادل ۴۸۲،۰۰۰ بشکه نفت). برای تمام اینها ما سالهای سال وقت نیاز داریم.

پرتال جامع علوم انسانی

۱. رم ویاخیرف، رئیس شرکت گاز پروم، می‌گوید که گاز پروم به نفت ترکمنستان محتاج نیست، دلووی میرا ۸-۱۱ اوت ۱۹۹۷.

۲. میدل ایست اکونومیک دایجست، ۲۳ مه ۱۹۹۷، ص ۱۷.

۳. «ترکمنستان: خط لوله به اروپا ظرفیت صادرات را افزایش می‌دهد»، پترولیوم اکونومیست، مه ۱۹۹۷، ص ۱۲۹.